

شهر تبریز در شهرهای دیگر نیز از قبیل خوی و غیره و دیات و بلوکات آنجا همه جا اسباب جشن و عین
 بندی و چراغانی را بطور خوب و زیاده تقدیم نموده اند اگر چه از بعضی ممالک بعد از قبیل خراسان
 و کرمان و فارس و غیره هنوز روزنامه نرسیده است ولی از سایر ولایات که روزنامه آمده است
 نوشته اند که چنین جشنی در هیچک از اعیان و گرفته شده بود و کل مردم شغف و خرسندی تمام با
 جشن میمون و عیش میمون اقدام نموده اند و بشکر از این نعمت عظمی و موهبت کبری اغلب حکام و صاحبان
 و مشمولین ولایات بفقرا و ضعفا و ارباب مستحقان انعام و اطعام نموده اند و در روزنامه
 در روزنامه هم نوشته اند از حسن توجهات اولیای دولت علیه و کمال مراقبت مقرب الخاقان
 ذوالفقارخان حاکم قم و سایر امور انولایت قرین انظام کامل و نهایت امانت و ارزانی و وفور
 هرگونه نعمت در انولایت حاصل است و عموم مالی انجا از علم و مساوات و خدام ذوی الاحرام
 استانه مقدسه و اعیان و اشرف و رعایا و برادر برادر امن و استراحت آرمیده در کمال سبوت
 و آسودگی بلوازم کسب و عیسی خود و عا کولی دوام دولت جاویدت علیه اشتغال دارند و
 احدی مرکب حرکت خلاف فاعده نمی تواند بشود و بهیچ وجه عیب و نقصی در امورات ولایت
 وقوع و ظهور ندارد و همچنین طرق و شوارع قم و سایر که محل عبور و مرور قوافل و زوارا که ممالک
 محروسه است بسیار مضبوط و منظم است بطوریکه ابداسرقت در این راهها نمی شود غلامان
 قواسوران و مستحظین راهها شب و روز گردش میکنند و زوار و قوافل را بمنزل میرسانند و
 قدرت سرقت ندارد و در منازل عرض راه هم بچسب قدغن مقرب الخاقان مشارالیه در قم
 و ما یحتاج عابرین و متردقین را زیاده از نرخ معمول نمی توانند بفرود شدند و کم فروشی هم نمیتوانند
 بکنند این رکبدر عموم عابرین و متردقین کمال شکر گذارند ایل زرگر که سابق بر این
 در راهها دردی و هرزگی میکردند از وقتی که حسب الامر اولیای دولت علیه سپرده مقرب الخاقان
 ذوالفقارخان شده اند مقرب الخاقان مشارالیه نیز آنها را با لجاجت و ابراهیمخان ایل بسکی
 بغدادی سپرده و قدغن نموده آنها را آورده در میان طوائف شایسون سکنا داده و در
 آنها هستند ابد مرکب سرقت و بدعملی نمی شوند و با لطمه خیال سرقت از سر آنها بدر رفته بفرع عیسی
 افتاده اند و دیگر درین مدت کسی از آنها سرقت و بدعملی ندیده است بلکه هرگاه دیگری از خایج
 بخواد در این راهها مصدیر سرقت بشود ایل زرگر در مقام ممانعت و دفع و رفع آنها بر می
 که خوشان متهم نبوده باشند

۲۳۶۹

حتم

از قرار یک در روزنامه حتم نوشته اند در باب حسین هایون و بجهت این دولت قوی شوکت
مفردن که قبل از وقت بحکام و صاحب ختمها را از ممالک محروسه اخبار و اعلام شده بود ^{مقررات}
چراغعلی خان حکمران ختم بحصول آگاهی و ستاده علما و اشراف و عالم و اعیان و رسوم
شهر را اخبار نموده تهیه و تدارک این بندی و چراغانی و دیده در شب چهارم کتل بازار را
کاروانسرا را و غیره را این بندی و چراغانی خوب نموده بودند و مقررات اخبار خان مشارالیه در مقر حکومت
خود حساب حسین و شکاری و صیافت و مهم آوردن عیش و شادی و دمانی بسر برده در روز چهارم و سوم
اعیان و بزرگ مجلس حسین و سردار افتخار داده علی و سادات و اعیان و اهل و محارف و غیره در
مجلس حاضرند اجزای شلیک توپ بقانون اعیان بزرگ بعمل آمده اهل مجلس تهتیب و مبارکباد گفته صرف
شربت و شیرینی نموده صد سلامتی وجود سعادت هایون علیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی خلد الله ملکه
سلطان و نواب استیلا شرف ارفع الا شاهزاده عظیم و بجهت دولت جاودت علیه صلوات
و تاسیانه روز به دستور روز مجلس سرور فرام آورده اجزای شلیک توپ در هر روز و بزرگ
و شبها تا صبح کتل بازار را و دکا کین این بندی و چراغانی بود و اصحاب طرب در سر هر یک از
اسباب طرب فرام آورده صدای ساز و آواز مشهود و مسوع اعلی و ادالی بود و شبها
بعد از صرف مشام مقررات اخبار خان مشارالیه با جمعی از اعیان و ولایات تماشای این بندی و چراغانی
بازار را و کاروانسرا آمده بجموع اهل بازار چشم روشنی و مبارکباد میگفت و هر کس حجره و دکان
خوب زینت داده و چراغان کرده بود قدری در آنجا زیست کرده و بصاحب آن حجره و دکان
میداد و نیز درین شبانه روز بفرق او ضحاک و اهل استحقاق محض سلامتی وجود فایض لاجورد هایون انعام
و اطعام نموده این حسین هایون را با کمال شرف و سرور با حکام رسانیدند (در کتب نوشته اند که
نامی که چو ادبک نامی را کشته و خود متواری شده بود و چنانچه در روزنامه کشته نوشته شد مقررات اخبار خان
چراغعلی خان چند سوار سپردن شهرتخص او فرستاده بود و در شهر هم دار و عهده بحکم درختین بود
مشارالیه چون درین مدت دو سه روز که در شهر محفی و متواری بود راه فرار از هر طرف بسته
نیم شبی خود را به طریقه مقررات اخبار خان مشارالیه انداخته لب نشستی بحکم خیر دادند گفت او را بجزر کردند
و چون مقتول چند نفر صغیر و اطفال با بر صغیر تعصاف قاتل قوی پیدا شدند و با یک قاتل سرش از صد تومان
بود آخر بصلاح و صواب مقررات اخبار خان مشارالیه و ایجاب دست تومان ویت قرار گرفت که با یک قاتل را

۲۳۷۰

صد تومان بر آورد کردند و سی تومان هم مقررت انجاقان مشارالیه از خود و متعاقباً دو تومان دیگر را
 ارقام و منوبان قائل لغری دو تومان و سه تومان در میان خود تقسیم کرده دو سبب تومان را نقد
 جنتا سر انجام کرده پورته مقبول دادند و در استان و پروجر و از قراریکه در روزنامه
 نوشته اند بوجیب اخبار و اعلامی که قبل از وقت در باب جشن فیروز لوبیدی دولت جاوید
 علیه حکام و صاحب اختیاران مالک محروسه شده بود نوات مستطاب شاهزاده محترم و اوقات
 هشتم الدوله حکمران بر وجود و تجسیری و عسبان و لرستان در شب چهاردهم ماه ربیع
 در بر وجود سبب جشن و تیشبازی فرایم آورده تمام بازارها دکار و الزام و محلات را
 این بندی و چراغان خوب نموده عموم اعالی و ادانی بعیش و عشرت و شادمانی قیام و اقام
 نمودند و در روز چهاردهم نوات مغزی الیه مانند اعیان و بزرگان انعقاد سلام جشن داده اعیان
 و اشراف و ولایت و چاکران دیوانی از خوانین عظام و صاحب مضبان نظام و غیره در آن سلام
 حاضر آمده بعد از اجرای شیک توپ صرف شربت و شیرینی کرده تهنیت مبارکباد گفتند و تقاضای
 شادمانه زده بپوایم جشن و سرور قیام و اقام نمودند و نیز نوات هشتم الدوله بامیرزادگان
 که در لرستان و عربستان نایب الحکومه پیشتر قبل از وقت فرستاده اخبار نمودند که در روز
 مزبور اسباب جشن و سرور و این بندی و چراغانی را بطور شایسته هر یک در مقر حکمرانی خود
 تقدیم نمایند (دیگر نوشته اند که کل کر مرصع با کلبه طوبس بدن مبارک که از جانب سنی بچو آب
 اقدس سالیون شاهنشاهی بافتن نوات مستطاب احتشام الدوله رحمت و مصحوب معرب انجاقان
 میرزا محمد ربیع مستوفی دیوان اعلی انعقاد شده بود در صین و وصول با نجات مغزی الیه با احتشام
 اعیان و ولایت و خوانین و صاحب مضبان تا باغ شاه با استقبال شتاقه لوازم توپ و
 صفت هالیون را بجهل آورده در عمارت باغ شاه ریب بروکر معاشرت نموده از انجاقان
 آمده در صین باغ شاه که خیمه زده بودند انعقاد سلام داده اجرای شیک توپ نمودند و در
 جهات مطاع مبارک که بافتن نوات مغزی الیه شرف صدور یافته بود در آن سلام خطیب با و از
 طبعه کوشش و خاص عام نموده بعد از ادای خطبه بنام نامی سرکار اقدس سالیون و احتشام
 بقا و از یاد دولت و شوکت ابد بقرون صرف شربت و شیرینی کرده سلام منقصدی کردید و در
 دیگر مطاع هر شعاع که بافتن نوات سبب بر سیم میرزا حکمران عربستان و مقررت انجاقان حاجی جاوید
 میرزا محمد رحمت شده بود در لرستان روانه نمودند

۲۳۷۱

اخبار دول خارجی که از روزنامه های خارجی ترجمه شده نوشته شود
 از قراریکه در روزنامه ها نوشته اند در لندن سابقا کشتی بزرگی که بیست و پنج هزار طنو بار کبری داشت
 که برطنوی سه هزار و پوزن این ولایت و جمیعاً هفتاد و پنج هزار خردار شود و قرار داده بودند
 و مباشرت او اقدام نموده بودند در این اوقات قریب با تمام است و در ماه ربیع الاول قرار
 بوده است که بدریا بنده از بند در این اوقات بجهت آمد و رفت از انگلیس با سترالیا یک کشتی که
 پنج هزار و دویست طنو که پانزده هزار و شصت خردار باشد حمل او میشود با تمام رسانده و بدریا انداختند
 در میان کشتی های تجاری تاکنون کشتی باین بزرگی دیده نشده است درین صورت آن کشتی که
 هفتاد و پنج هزار خردو بار کبری دارد و درجه و شش حرمت افزای عقول و اذنان است و بطوری ساخته
 که دریا هر قدر طایم امواج و انقلاب داشته باشد غرق نمی شود زیرا که هنگام طایم امواج در روی
 سه موج پیانی قرار دارد و چون به قسمت ساخته شده است اگر اجناسا یک طرف او از امواج خلل بیاید
 اطراف دیگرش مصون خواهد بود و بحسب متنازکوه سیاه پوش بزرگی بنظر می آید چون بدریا
 انداختن این کشتی تماشای بزرگیت لهذا صاحبان کارخانهای کشتی سازی اغلب مالک فرکتان
 بجهت تماشای این کشتی غمیت لندن کرده اند حتی در روزنامه های لندن غمیت نواب برنس ناظم
 عمود راه اعلی حضرت امپراطور فرانس را از پاریس بلند بجهت تماشای بدریا انداختن کشتی مزبور
 نوشته بودند (دیگر در روزنامه رسمی دولت پوریکه نوشته اند که حاصل موعمل در یک سال
 در آن دولت یک میان که دو کرد و در با شد یعنی آمده است و بحسب کمرک الوالات در یک سال تجارت
 یک میان و نیم که سه کرد و در با شد موعمل از الوالات بخارج برده اند این یک کرد و تفاوت را
 دولت مزبور در صد و تحقیق برآید که از کجا بهم رسیده است در روزنامه جنوه که در دولت روسیه
 طباع میشود در باب مشکونه تعلبات ارباب تجارت نوشته اند که در محل پیو بدن نام سارنته
 از یک معدنی سنگی سفید و بسیار نرم پیدا شده است با اینکه این سنگ هیچ مصرفی مصورت
 هر یک من اور تخمینا هفت شاهی و نیم داد و ستد بینما بند و عرض سال ارباب تجارت یک میان
 متجاوز که بیشتر از دو کرد و در با شد این سنگ داد و ستد کرده اند بعد که معلوم شد است
 سنگ را ارد کرده و از راه قلع بآرد مخرج کرده بمرم میفرستند و روزنامه های فرکتان
 در این اوقات ازین قبیل تعلبات ارباب تجارت بسیار مینویسند که با اغلب چیزها از کولا
 و مشروبات و حیوانات چیزهای دیگر داخل کرده میفرستند

۲۳۷۲

در روزهای سابق نوشته شده بود که اعلیحضرت امیرالطور فرانس و اعلیحضرت امیرالطور روس
 در روز متبوع یکدیگر را قرار بود که ملاقات نمایند از قرار روزنامه که تازه رسیده است ملاقات
 در جمعه واسطاً ماه صفر در روز متبوع اتفاق افتاد و روز شنبه شباری بسیار سنگین و اجزای
 بزرگ نمودند و تماشاخانها و سایر جاها را بلوارم جشن آراسته شد گامی کوناگون اجرا کردند
 ولی بجهت فوت یکی از اقربای قرال و متبوع سیر و تماشا اعلیحضرت امیرالطورین قوری تماشا
 بود بعد از ملاقات با یکدیگر اعلیحضرت امیرالطور فرانس و اعلیحضرت امیرالطور روس
 خود معاودت نمودند و بموجب روزنامه بعد اعلیحضرت امیرالطور روس از روز متبوع معاودت
 نموده و در شهر الیمان با اعلیحضرت امیرالطور استر به نیز ملاقات کرده از آنجا ستم مستوعوب فرموده
 (در فرانس بعضی از ارباب فتاکه بود ای جمهوریت عقل خود را پریشان کرده و بطرف
 دولت پاره حرکات نالایقه میکردند بعضی از آنها دستگیر شده بجزای خود رسیدند و بعضی مخفی
 و متواری گردیده بودند سال پیش ازین باز از آن مفسدین مجلس منعقد نمودند بجهت اعتراف
 و در میان خودشان سرتیب و سرسنگ دیوزباشی ملازم و چاوش و تا بهین قرار دادند و
 نظامی قرار دادند که باید یکدیگر را شناسند و شبها در آن مجلس بار و بجهای ستم جمع میدهند و
 یکی از آنها بر و مطلب را میدارند و نقاشی او را می کشند و هر کس در دست خود فقط چاوش و ده با
 و تا بهین را می شناخت و سایرین را نمی شناخت و اگر کسی میخواست داخل آنها بشود بکفالت و
 انتخاب دو نفر از اعضای مجلس او را راه میدادند در این اوقات کار این اشخاص بر و نموده
 از آنها ملازم و چاوش و ده باشی و تا بهین سی و پنج نفر دستگیر شده تحقیق سایرین را از آنها
 کردند چون میدانشند جهان فراری داشتند جواب گفتند و بر قدر آنها را بشکند اند احد کسی
 سایر مفسدین را بر روز بدند کسی را نمی شناختند که قلند نمایند معلوم دیوانیان شد که
 مفسدین فی الحقیقه سایر رفقای خود را بنا بقانون موضوعه خودشان که روی بسیم مجلس
 نمی شناسند بعد الحاکم علی الحساب آن سی و پنج نفر را محبوس کردند (تا بهین حد و در آن
 اسپانول بعضی مجال متنازع فیه بود که معلوم نبود از کدام طرف باشد و سالها این گفتگو تا بهین و تا بهین بود
 وقت پیش ازین قومی ترکیب از نامورین طرفین تشکیل یافته در این اوقات بموجب قرار داد
 بر نوز جزیره و بعضی مجال متنازع فیه تا بهین دولتین بر نوز با المناصفه تقسیم شده و رفع
 نزاع طرفین گردیده است

۲۳۷۲

در روزنامه سابق نوشته بود که فرال دولت اسوج و نور و جیا هر سه طبل شده و بموجب افاد است
 ابطار صحت خود با پوست که دیدن خود را که ولعهد او بود بجای خود بقایم مقامی حکمرانی نصب کرده و درین
 صحیفه تعلیم آورده مجلس کلای دولت وقت ارسال داشته بود چون نصب ولعهد حکمرانی در مقرراتی درج
 فرال مغایر قانون آن دولت بود از جانب وکلا قبول این معنی شده گفته بودند که حکمرانی یکی از وکلا باید محول
 بموجب روزنامه که این اوقات رسیده است درین ملاقات علیحضرتین امیرطور روس و امیرطور فرانس
 و بموجب با یکدیگر درین باب نیز مذاکره شده و ولعهد فرانس و خواست فرال اسوج و نور و جیا بقایم مقامی
 و حکمرانی آن دولت برقرار گردید (دیگر نوشته اند که از انانی اسوج و دیگر نام شخصی که در علم حساب مهارت کامل
 دارد در این اوقات بلندن آمد قوه حافظ خود را بیان و اعلام نمود است که چند هزار عدد مختلفه را جمع و در خانه رقم کنند
 یکده که برای او بخواند حفظ میکند بطوریکه یکی یکی از او پرسند مطابق نوشته میگوید که نوشته از این بهر زبان که باشد صغیرا
 که بیست سی سطر یا یکده که برای او بخواند حفظ نماید که بر وقت بخواند بعد او می کند چون این کیفیت در اول جمله
 خارج از قوه حافظ بشر نظمی آید چینی اشخاص این کیفیت را ملاحظه کردند بعد از آنکه او را ملاقات نمودند اجزای او عای او را
 تکلیف کرده بعضی با رقم حساب و برخی نوشتجات او را تجزیه کرده و نشان ایثبات عادی خود را نمود و گفته شده از آن در علم
 به یک حسابی را که مرکب از پانزده خانه مرقوم بودند بن خود در چهار دقیقه تقسیم نموده صورت از بیان کرد که با حساب
 قلم هیچ تفاوت نداشت و فی الحقیقه این شهرندی از آن شخص خبری افزای عقول کرده از کیفیات غریبه و بجزیره و تماشای
 اینگونه کانیهای مشارالیه ز فرار روزنامه لندن بسیاری از انالی لندن بخجی که منزل اوست میرود و او را بقایم تجزیه درمی آورد
 (دیگر نوشته اند که در ملاقات علیحضرتین امیرطورین روس و فرانس و در وقت بروج با یکدیگر از جانب مالی ایجاد داشته است
 که از ولایت و پنجاه سال تا حال نگاه داشته بود برسم تخفیف تقدیم نمود نظر روایات روزنامه های المانی این شراب از انکو را با
 مترقی نام بوده بجهتیکه بچکاران المانی که بطریق قوت یا سیر یا سباحت یا بجا برون یک شیشه از آن شراب تا بنها تخفیف داده
 و ولایت و پنجاه سال قبل ازین المانی شهر برسم از شراب مذکور چهار چلیک بزرگ خریداری نموده و در محلی صنبط و محظ
 کرده بودند و این چلیکها برورایا تم منزل کرده و کم شده تا این ایام بیست شیشه از آن مانده است و این
 ده ولایت و پنجاه سال قیامت صرف و کرایه محل و منافض را که حساب کرده اند دو شیشه که بجهت علیحضرتین امیرطورین
 برسم تخفیف آورده هر شیشه یازده میان فرانس که تخمینا بیست و دو کرد و صاحبان که دو کرد و در اشرفی محتاج و
 پول این ولایت باشد با تمام رسیده است و باین حساب هر قطره او را هزار و سیصد و بیست و چهار

۲۳۷۲

بر او وقت کرده اند و الحمد علی الراوی

ترجمہ روزنامہ برسن دوریان اسلامول

اخبارات بند باگڑھی کی ازمنہ پیشی رسید خبر صبح و یقین تسلیم و تخریر شہر دہلی را اور و مختصر
 آن خبر از قرار روزنامہا و نوشتجات مخصوص از این قرار است کہ یک سستہ توپخانہ در چہارم
 سپتامبر وارد دہلی شدہ توپخانہ را بدون تاخیر در مقابل با سستہاخی مور و میر در سبب
 چاہہ ذری و یوار قلعہ قرار دادند کارائی محاصرہ و عمل تعلق بازا انگلیسہا در ماہ اوستاکم مضبوط
 کردہ با تمام رساندہ بودند در شب ۲۹ شہر فوق خط متواری جدیدی بدون اینکه از معاینہ
 مانعی روی دید در مقابل سمت یمن الی درزہ کہ نزدیک نعلیہ دہلی است ساختہ شد در
 ۳۰ شہر فوق اشہرار ہمیدند کہ حفظ مذکور خالی از رحمت و ضرر نخواہد بود جمیع اش خانہ خود شازا
 با آن طرف بردند درین بین باران شدید بارید و نگذاشت کہ خط متواری با انجام بر
 بہت روز بعد از ایستادن باران با تمام رسانیدند در میان شہر ماہین اشہر اتفاق
 دادہ بود اکثری از انہا از دہلی بیرون رفتہ بودند انہا بیک ماندہ بودند رسولان بار آوی
 فرستادند و تکلیف کردند کہ اشہر ایکہ مصد قتل و غیرہ شدہ بودند بسزای خود برسانند
 ولی انگلیسہا آن تکلیف را قبول نکردند درین بین نورجاح شاہ پادشاہ دہلی نزد سردار
 انگلیس آدمی روانہ داشتہ و تکالیفی چند کردہ بود بالآخرہ جادادن توپخانہ رحمت تمام
 داو شکیک محصورین سجدی بود کہ در قرار دادن چند عرادیہ توپ دو صاحب منصب و چاہہ
 از انگلیسہا کشید درین بین جنرال نیکولسون با سہ ہزار نفر قشون آمد دی کہ در شہر خلو بود و پنج
 بلخ شدہ جمیع قشون از ہمہ با سہ دہ ہزار نفر بودند یورش در چہارم ماہ اکتوبر برودہ
 و انگلیسہا داخل شہر شدند در همان شب سوارہ کہ در شہر بودند با نیلی از سپاہیان بیرون
 آمدہ بعضی سمت برواری و برخی بطرف شہر افرقیستند و در ۲ شہر اکتوبر شہر دہلی با تمام
 بست انگلیسہا افتاد و راول خبر رسید کہ پادشاہ دہلی با عیالش کریمتہ و فرار کردہ بود
 لکن در شانی خبر رسید کہ در شش فرسخی شہر پادشاہ را باد و پشش و با تمامی عیال گرفتہ
 الان مجبوس کار گزاران کلین ستند

۲۳۷۵

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه ۱۵ شهریور سال ۱۲۷۴

منطبه دارالخلافه طهران

نزد سبده و پنجاه وقت

قیمت اعلیانه

قیمت روزنامه

هر طرزد

هر نسخه



اجبار و اخذ مالک محروم پادشاهی

دارالخلافه طهران

در این اوقات بقضای فصل بارانهای متوالی آمد و چند باران از میت چهار ساعت تا سی ساعت
 اگر چه بعضی بنایای عمرتی که از پشت وکل بود خبری خرابی رسید ولی بجهت زراعت آینده زیاده
 خوب و مطلوب بود و از بارندگیهای پاییزی که در جلگه باران و در کوچهها برف آمد هوا بسیار صاف و
 ملایم گردید نظریه بلایت هوا که مقتضی شکار بود سرکار اقدس تایون شاهنشاهی عزمت شکار حاج
 و آن اطراف و تفرج جلگه و شکارگاهها فرموده در روز چهارشنبه ۱۴ موکب فیروزی کوکب اردار
 مبارکه حرکت فرمودند جناب جلالت آب شرف امجد ارفع صدر اعظم فخرم و جناب فخرت نصیبا
 نظام الملک و بعضی از شاهزادگان عظام با برخی از معتزین چاکران حضرت فخرم رکاب تایون
 و چند روز اعلیحضرت اقدس تایون شاهنشاهی خلد الله لکم بکفار و تفرج آن صنایع مشغول خواهند
 بود و در پیشبینه ششم اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی نظر بود فرمودم طوکانه در حق جناب جلالت
 اشرف امجد ارفع صدر اعظم فخرم سجایه ایشان شرف فرما گردیدند از جانب جناب معظّم لیه
 و جناب فخرت نصیبا نظام الملک تقدیم قربانیا و پیشکشهای امدار بطور شایسته بعمل آمده
 و متعلقان ایشان در لوازم مدارک اسباب صیانت و شرایط خدمتگذاری مراتب اهتمام خود
 ظاهر ساخته مورد حسن و التفات گردیدند اعلیحضرت شاهنشاهی بهار اردار آنجا صرف فرموده برود
 مبارک بسیار خوش گذشت و تا عصر در آنجا شرف داشتند بعد از صرف عصرانه و جای
 نزدکای عزوب آفتاب مبارکه سلطانی و مقر سلطنت عظمی بالشوکه و الا جلال مراتب

فرمودند و در اینجا اشخاص مفصله تجیه میبست شریف زمان علیحضرت پادشاهی هر یک بفرخواست خود

از جانب نواب عمادالدوله	از جانب مقرب الخاقان	علیه الورد العظام مقرب الخاقان	مقرب الخاقان میرزا احمدی
حکمران کرمانشاهان	مؤمن سلطان وزیر نظام	میرزا داد خان وزیر لشکر	مستوفی
عمده الامر العظام	مقرب الخاقان امیر دیوان	مقرب الخاقان میرزا	عبدالله خان مستوفی

پیکش از حضور بایون گذرایندند و به یکی مورد التفات عنایت ملوکانه گردیدند (نظر بطور
 و فوز مراحم ملوکانه در باره نواب کامیاب شاهزاده و الا تبار محمد تقی میرزا حکمران دارالخلافه طهران
 در این اوقات یک جلد قرآن بسیار خوش خط خوب ممتاز از کتاب خانه مبارکه نواب میرزا
 عنایت فرموده و یک ثوب کلبه ترمه از بلبوس تن مبارک در حق ایشان خلعت مرحمت فرمود
 (بار سال نسیر غله و حبوبات در آذربایجان بقدری مالارفت و از وقت طوری کم یاب شد
 که مردم تبریز و سایر بلاد و بلوک آذربایجان به تنگنا افتادند و فقر و ضعف بملای عسرت شد
 امسال اگر چه بجهت تقالی از توجهات اولیای دولت علیه ترخ غله و حبوبات در آن مملکت نازل
 شد و نوع رفاهی برای مردم حاصل آمد لکن چون هنوز محصول آنجا کفایت پریشانی سال گذشته و
 معاش سال را نمیدهد و بیم آنست که باز خدا کرده با مالی آنجا تنگی و عسرت روی دهد لهذا اولیای
 دولت علیه فرار دادند که ساله من و فعل غله و حبوبات و گاو و گوسفند بجا بروج موقوف شود کار کفایت
 آذربایجان در اجرای این حکم اهتمام خواهند کرد اما تنگی بیکراقتیل کشش و شیرین بار ازین حکم
 مستثنی است محض ملاحظه رواج تجارت فرار دادند که ممانعت ازین تجارت نشود و گذارند بشارت
 داخله و خارج کشش و امثال آنرا بجا بروج حمل نمایند) (چون مقرب الخاقان میرزا احسان عالم
 عراق در انجام خدمات دیوانی و انتظام امر ولایت و تحصیل موجبات طینت و اسودگی رعیت
 اهتمامات کافیه بعمل آورده بود و در سینه همسایه حکام نامورست قشون نصرت بایون افواج عراقی را
 در اندک زمانی در کمال استسکی برآه انداخته خدمات شایسته و نمایان کرده بود خدمات او
 خاکپای بایون مقبول و تحسین افتاده از جانب سنی بایون با عطا ی یک قطعه نشان از مرتبه
 میرزبختی و بیکر شده جمیل سرخ و سفید که مخصوص آن مرتبه است سرفراز گردید) (چون میرزا
 مباشرین و ابنا در نامی قورخانه و جبهه خانه مبارکات را از ابتدای دولت جاوید قدرت الی هم
 سال لوی نیل عالیجا میرزا احسین میرز شده دار قورخانه مبارکه نوشته و کتابچه کرده بود در این اوقات

۲۳۷۸

بجهت گذشتن کتابچه از دفتر خازن مبارک حسب الامر جناب جلالت نظام الملک با عالیجنابان مقربان
 میرزا ابوالقاسم سنوفی و میرزا نصر القاسمی و میرزا شفیع سرشته و از جناب جلالت اب اشرف
 صدر اعظم پنجم و میرزا حسین سرشته دار قورخان قریب دو ماه بمحاسبات مذکور رسیدگی نموده و
 خرج این محاسبات را تحویل گرفته و با تمام رسانیدند و بعد از آنکه جناب جلالت اب اشرف
 صدر اعظم محاسبات را با تمام ملاحظه فرمودند محاسبات را برده در حضور مبارک عرض نمودند
 در اتمام این محاسبات فوراً حسن خدمت خود را طاهر ساخته و خوب از عهده برآمده و با تمام
 بودند محض رحمت چهار رتبه بجهت بدین موجب در حق هر یک از آنها خلعت مرحمت گردید

مقرب عالیجنابان میرزا ابوالقاسم سنوفی
 مقرب عالیجنابان میرزا نصر القاسمی
 مقرب عالیجنابان میرزا شفیع سرشته
 مقرب عالیجنابان میرزا حسین سرشته

سایر ولایات

اورباچیان از قراریکه در روزنامه خوی نوشته بودند امور بلده و بلوکات و سرحدات
 ولایات از حسن اتمامات نواب کامیاب و انا محمد رحیم میرزا حاکم خوی و سلماس نهایت انتظام
 و انضباط را دارد و قواض و مشردین با مسرتحت و نهایت عبور و مرور میسایند و جهت محافظت شهر
 کزنده و قوادل گذشته و خود نواب معسری الیه خود بجهت مراتب احوال ایشان پیشه از جلالت
 در میان دو بلده چند نفر مجلس شرب داشتند همگی آنها را گرفته چند نفر را تلبیه نمودند و اگر نام
 فرج با کونی را که برفت معروف و مادیات و بود و محسوس نموده لازم تلبیه در حق مختصین بعمل آورد
 (ملا ابراهیم تاجر پسر مرحوم حاجی ملا عبدالعزیز کهنه یک بچه شال بیک نفر شاکرد چایار و او
 بود که در سرحدات اجی اوراکت شالها را برده بودند مقرب عالیجنابان مؤمن سلطان وزیر نظام مرآت
 بنواب محمد رحیم میرزا اظهار داشته نواب معسری الیه نیز اتهام نموده عالیجناب علیه قلیخان را نامور کرده
 بدست آوردند محمد قراق نام باد و نفر دیگر بودند آنها را محبوس مدار سلطه تیرز نیز در مؤمن سلطان
 وزیر نظام روانه نمودند) دیگر نوشته اند که یک قطعه نشان از مرتبه اول سیرسی با انضمام یک رشته
 حامل شرح که مخصوص آن نشان است از جانب سنی اچوانب اقدس عالیجنابان شاهنشاهی با افتخار و
 کامیاب محمد رحیم میرزا رحمت شده بود و با تاجر تو و وصول آنگذده نواب معسری الیه با علما و اعیان
 و اعیان ولایت تاد و فرسخی شهر با استقبال شفاف لوازم توقیر و احترام نشان ایشان را بعمل آوردند

۲۳۷۹

در کنار رود قطور آویزه پیکر افتخار و عیال کردن اعتبار نموده بعد از صرف شربت شیرینی و ادویه
 مراسم تهیت شهر را جهت نمودند **اصغمان** از قراریکه در روزنامه اصغمان نوشته است
 امور آنولایت از حسن مراقبت نواب مستطاب شاهزاده و الا بتا رحمت الدوله حکمران اصغمان
 قریب انتظام کامل و کمال آسودگی و ایت از برای عموم مالی انولایت حاصل است و متوجه آنجا
 میرزا محمد زکی وزیر اصغمان همه روز حسب احکام نواب مغزی البیه با مستوفیان آنجا در دفتر
 مشغول رسیدگی معاملات و محاسبات ولایتی و نظم امور داده و مستند لوائی و انجام خدمات
 مرجوعه پیش از امور شهر و محلات منظم و منبسط است و سرف و شرارت بندرت اتفاق
 می افتد و سایر عیال و مباشرین شهر و بلوکات هر یک در انجام خدمات مرجوعه بجز کمال در
 بجز می آورند و همچنین امور طرق و شوارع مضبوط و قراول مستحفظ و قراوران در راهها مستحفظ
 و حرارت مشغول و عابرین و مترددین با سودگی و اطمینان خاطر عبور و مرور نمایند (دیگر نوشته
 که فوج عالیجاه ابوالفتح خان و توپچیان متوقف اصغمان همه روز مشغول مشق مستند و صیقل
 کمال اهتمام در مشق و انتظام امر آنها دارند و میدان نقش جهان اصغمان را که حسب احکام نواب
 شاهزاده تعمیر می نمودند تا کنون بیشتر از نصف آن تعمیر شده و اغلب انجرات آن راتازه
 ساخته اند و آنچه ساخته و تعمیر شده در کمال خوبی و صفا پاشد و باقی تعمیرات آنرا هم بنا و علمه
 در کارند که تعمیر نموده تمام سازند) (دیگر نوشته اند که عالیجاه عبدالحمید خان خزاندار اصغمان
 علاوه بر مشغول خزانده داری امر مباشری میا را نیز تعهد کفایت و اهتمام خود گرفته و کارزار وقت
 نظم کامل داده است و رباط انجاری نیز که خرابی باوراه یافته بود در کمال استحکام تعمیر می نماید و خود نیز
 در این اوقات سجد رسیدگی با مزارعات و تعمیر رباط مرزور با انجاری و چند روز توقف داشته
 امور انجاری از جهت منقطع کرده شهر را جهت نمود) (دیگر نوشته اند متوجه انجاقان سهام
 ۵۳ شهر بیج الاول با اعزاز و اکرام تمام با یک فوج هزار افواج ثلاثه ابوالجمعین خود وارد اصغمان
 و در عکارت صدر مرحوم منزل نموده و افواج ابوالجمعین متوجه انجاقان مشارالیه نیز با کمال نظم و
 وارد شدند با اینکه ناخوشی در فارس و کمرسیرات آنجا بوده است بحد افواج مرزور صحیحاً
 وارد اصغمان شدند و بسیار کم از آنها تلف شده بودند) (دیگر از قراریکه تعمیر انجاس اصغمان
 نوشته بود که مخرورای دو تومان و جو خورای دوازده هزار و گاه خورای هفت هزار
 و گوشت یکین دو هزار و دینار و روغن یکین شش هزار و دو عباسی و سایر کولات بهین بنامه است)

۲۳۸۰

مرور و عبرستان

از قراریکه در روزنامه بر وجود و عبرستان نوشته اند امور انولایت از حسن مراقبت و رعایت
 نواب مستطاب هزاره افخم و الایثار حشام الدوله حکمران عبرستان و لرستان و بر وجود
 بختباری قرین انظام و ضبط کامل است و رعایا و برابرا آسوده خاطر بدعا کونی ذاب اقدس
 شاهنشاهی اشتغال دارند مقررت انجاقان میرزا محمد رفیع مستوفی دیوان اعلی که حامل خلع مهر
 نواب معزی الیه و امیرزاده ابراهیم میرزا و غیره و از جانب دولت علیه مأمور بر رسیدگی محاسبات
 انولایت بود بعد از ورود بانجانب نواب معزی الیه قدغن اکیه نمودند که مقررت انجاقان میرزا ابوالطیب
 وزیر و سایر کارکنان و مباشرین شسته معاملات و محاسبات دیوانی و مهمات لازم که
 صورت اتمام و انجام بدهند که مشارالیه زود بدر بارها یون شاهنشاهی معاودت نمایند (دیگر
 نوشته اند که از دهمه آخر ماه صفرالی دوازدهم ماه ربیع الاول بانجانب اتصال بازمی کرد اگر چه
 بجهت زراعت آینه بسیار نافع و موقوف بود و زراعت کاران و صاحبان اطاک زیاده ازین معنی
 مشغوف بودند ولی چون اغلب خرمهای غله سیلا خور و بختباری و بجا طبق در صحرا بود ازین
 فی الجمله ضرر صاحبان آن خرمها رسید) (دیگر نوشته اند که نواب جلال الدین میرزا انجم
 لرستان چندی بود که در لشتر مشغول انظام جهام ملکی و وصول و ایصال مایات دیوانی
 بودند فوج ناصریه از روزیکه وارد لشتر شدند چون عالیجاه محمد کاظم خان سردنک فوج مزبور
 از نواب مستطاب حشام الدوله خواشش نموده بود که معلی برای شوق فوج روانه نمایند لهذا
 عالیجاه میرزا علی اصغر معلم را که از مدرسه مبارکه دارالفنون مأمور خدمت انولایت بود روانه
 کرده هر روز در لشتر مشغول شوق فوج مزبور است و چون ملبوس و تعینت و سایر حساب این
 فوج تمام و باشکوه است در نظر الوارز زیاده جلوه گوی و نواب جلال الدین میرزا خود نیز هر روز
 بیسان فوج مزبور آمد مشغول شوق میباشند و کمال رضامندی از حسن سلوک فوج مزبور و نظم عالی
 محمد کاظم خان سردنک دارند و در روز بیستم ماه ربیع الاول قرار بود است که نواب
 جلال الدین میرزا اردوی خود را از لشتر سمت خاد و بجهت نظم طالبان دلفان و کاکا دند و وصول
 مایات دیوانی آنجا حرکت بدهند) (دیگر نوشته اند که عالیجاه میرزا جعفر خان سردنک توپخانه مبارکه
 که از دار الخلافه مبارکه با توپخانه و چهار عراده توپ مأمور بود و در آنجا کور دیده و مورد
 نواب حشام الدوله شده مراقبت خدمت محوله نمودند

۲۳۸۱

دیگر نوشته اند که در منزل مادیان رود آبی بود که هر سال در وقت طغیان آب بابل آید و
و غیره در وقت عبور ضرر کثیری می رسید و عبور از آن آب بصورت دست میداد درین سال نیز سلطان
شاهزاده و آقا خورشام الدوله بجایگاه فتح الله خان یا در فوج امرانی حکم نمودند که مل مضبوط
سر رود در نورسبازد بنا د عمل و مصالح کار را بنحویه فراهم آورده درین اوقات پلی در کمالی بنا
و استحکام که مشتمل بر چهار طاق بزرگ است در مجبور و در نورسبازد با تمام رسید و عابرین با سود
عبوری کنند چون اغلب طوائف که از آن صفحات عبور میکردند بجهت نبودن معبر راه خود را از آن
دور میکردند تا عبوری پیدا کرده بصورت میکند شدند تا حتی این پلی باعث رفاه طوائف نورسبازد
سبب میزد دعا کونی آنها و سایر عابرین شد (است) (دیگر از قراریکه نوشته اند سرحد محکم کمال
انظام را دارد و تفکیکی عرب و بلوچ مشغول است حفظی در باب خدمات محوله بخود پیا شدند) دیگر
نوشته اند که چون بنامین شوستر و زفول مسافتی دارد در تابستان که هوا گرم شد اغلب مردم
در آن بیابان از بی آبی تلف میکردند سال قبل ازین نواب خورشام الدوله محض رفاه حال
عابرین و حصول دعای خیر جهت آن اقدامی کرد که درین شاهنشاهی مقور داشتند و چاه آب
در فرسخ و سه فرسخ بیرون آورده و در دی چاه ساخته شد تا قرار دادند که عابرین سهولت خواهند
پایین رفته آب بردارند و از آنوقت عابرین دستزدین این را بگذرگان آسودگی روی داده
بنام شکر گذاری و دعا کونی را دارند و همچنین از زفول بحسینه که مسافتی بعید است در تابستان
بجهت نبودن آب در کمی هوا پیا دکان دچار حرمت و صعوبت شده بعضی از شدت عطش مملکت
درین سال نواب شاهزاده خورشام الدوله بجایگاه میرزا عنایت اللدنا بیب در زفول حکم نمودند که چاه
مابین آن راه حفز نماید که عابرین در تابستان از بی آبی در مسافت بسیار خسته و راه را بی معنی
و عمل و بنا فرستاده بقدمش تا در بیع زمین را حفز نموده تا باب رسیدند و طاق زده بدهند
درست کردند و مبالغی مخارج آن شده اکنون عابرین دستزدین از باب آب آسوده خاطر
و شاکر و دعا کوی دولت جاوید میباشند و نیز پلی زالی و منزلی در زفول را که سابقا نواب
خورشام الدوله ساخته بودند و امسال در طغیان سیلاب خراب شده بود مجدداً نواب بیب
حکم نمودند در این اوقات در کمال خوبی و استحکام ساخته شده و با تمام رسید (دیگر نوشته اند
که نواب سلطان ابراهیم میرزا که نامور نظم صفی است را هرگز در راه و ایوان آن صفحات بودند
با کمال کار و نظم کامل آن صفحات داده اند چنانچه معرب محققان سلیمان خان بیب که در بهستان او صفی از ایشان نوشته بود

۲۳۸۲

v

اخبار دول خارجی که از روزنامه‌های خارجی ترجمه شده نوشته میشود
 از قراریکه در روزنامه‌های سابق نوشته شده بود در سوک در سلیمانبول کرکی باریده بود که هر یک نقد
 کردگان بودند و از بعد از آن در شهرت که در جزیره سیلوا واقع است کرکی باریده که تاکنون با آن
 درشتی کرکی دیده شد است حتی در روزنامه‌ها نوشته اند که از پورنو قال خلی درشت زو کرکی
 و در میان آنها کرکی که بعد از من وزن دهشت است دیده بودند بعضی از اهل آنجا ازین کرکی
 شده بودند و بزراعات و باغات آنجا نیز خیلی ضرر رسانده است (دیگر نوشته اند که بعد از سیل
 عمومی پاریس میان تجار و صرافان امنیت کامل حاصل شد و خیلی از فقره امان اطلاق جمع نمودند در این
 درینکی دنیا صاحبان دو کارخانه اظهار فلاس نمودند و ازین اظهار فلاس آنها مالی شبیه افتاده
 ایلستان از یکدیگر سلب کردند و این حادثه بدون مکتب سربان کرده با بچه اصحاب اموال
 امانات که بکارخانه داده بودند بچه مطالبه بکارخانه‌ها بجوم آورده بعد از آن از قرار روزنامه‌ها
 یکی دنیا خیلی از تجار و صرافان یکی دنیا اظهار فلاس کرده اند) (دیگر نوشته اند که دولت ناپولی
 از معرکه حکومت خود بعضی مالک ناپولی سیم مغراف کشیده و در اکثر محال جور سیم مغراف
 کشیده بود برای سهولت مخابرات از جهت شرقی مالک مرقوم مغربی و از جنوب تا شمال در آن
 گذاشته است راه مغراف درست نماید در این اوقات سیمهای مغراف درست شده
 و بجای خود وضع گردیده و در اوایل ربیع الاول و اول دولت ناپولی با وکلا و مأمورین از قرار
 روزنامه ماطه بطل مغراف آمد مخابرات را اجرا نموده اند) (چند وقت پیش ازین در کشتی سارفا
 سلیمانبول بنای ساختن یک کشتی بخار دولتی گذاشته بودند در این اوقات با تمام رسید
 و در روز جمعه در وقتی که اکثر وکلا و مأمورین دولت حاضر بودند اعلیحضرت سلطانی خود تشریف
 فرمای عمارت سلطانی آنجا گردیده و کشتی را از کشتی سازخانه بدریا انداخته و پیش رانگی
 گذاشته اند) (دیگر نوشته اند که در بیت و یکم ماه صفر در بصره طوفانی ظهور کرده از جهل و شش
 کشتی که بجهت زفق طوز در مکه گاه سینه لنگر اقامت انداخته بودند شت قطعه کشتی را شکست و غرق
 نموده است ازین شت کشتی که غرق شده اند کشتی از دولت عثمانی و در کشتی از بونا
 کشتی از استریت و یک کشتی از انجلس و یک کشتی نیز علامت بوق افلاق بد داشت) (چند وقت پیش
 در لندن نفع پول در صد تومان نفع تومان محمول بود درین اوقات بوجیه خبر مغراف که بدست بول رسید
 که درینکی دنیا میان تجار و صرافان صاحبان کارخانه‌ها سیم و بعضی اظهار فلاس کرده اند و درین نفع پول بجهت سیم

۲۳۸۳

دیگر نوشته اند که از امامی بیک او غنی رسید بول شخصی مدعیستش را بقدر فاقه گذرانده و با کمال
بی بضاعتی گذران می نمود حتی در این اواخر شدت فقر و اضطراب او بدین رسید که بقوت بویته
قاوری بود در این اوقات یکی از اقربای او که صاحب ثروت و کثرت بود فوت شده و از اموال
او بحسب ارث پنجاه هزار تومان باین شخص فقیر رسید این خبر مسرت اش را که با داده شد تا مدتی با
میکرد و آنجا که خبر انتقال این وجه کزاف را باو میدادند گمان میکرد که او را استهزا و تمسخر میکنند
تا اینکه وجه مزبور را کاطا باو تسلیم کردند از نهایت حیرت قدرت بچگونه گفتگو نداشت و از کمال
عقل از سرش زایل گردیده و محزون شده بچکات دیوانگی اقدام نمود از جمله در بازار کرمانشاه
یک عرابه گریه دید از صاحب عرابه اقباع آن را خواشش کرد و صاحب عرابه هر چه قیمت بر این
بدون گفتگو تسلیم کرد و میان عرابه مزبور از بعضی شبها بمصرف که لزوم نداشت مالامال گردید
کسی ماده کاو نیز بهین قسم خرید عیال او دیدند که باین مال وافر می که در تنجید او خطور میکرد و بدست
افتاده عطفش زایل گردیده و دست تلف و اصراف کشوده در اندک مدت این مال را تلف خواهد کرد
لهذا وجه مزبور را از دست او گرفته و پیش ازین دو فقره نذاشتند تلف کاری بکنند و او را در یک
اطاعتی حبس کرده اطباء را معالجه او حاضر آوردند که او را ازین جنون بحالت صحیح رسانید (دیگر نوشته اند
که در شهر نیور فرستاده شخصی از ارباب ثروت که کمال خست و ذمات را داشت بجهت مصارف گذران که با
شوق می آمد خود را از ریسمانی او بختی بود که بلاک بشود درین بین یکی از نوکرهای او رسیده آقای خود را بان حالت
بدکت دیده ریسمان را بریده و او را از هلاکت نجات داده و خستیش را لیه اظهار ممنونیت کرده بعد از آن
که آن نوکر میخواست مرخص بشود حساب هر چه باو داده بود کرده قیمت آن ریسمان را هم که بریده بود و در
شاهی پول این ولایت میدپای موجب حساب کرد که ریسمان را بریده ضایع کرده من ضرر زده باید
بیای حساب شود آن نوکر هم قبول این جنسی کرده و آن ریسمان را که تاوان داده و مال او شده بود
برداشته بازار را و کوچها افتاده با عالی و ادانی نشان داده و کیفیت ماجرا را بنا کرد بیان نمود
که فلان کس که آقای من بود بجهت مصارف لازمه خود که دشمنی آمد خرج کند خود را ازین ریسمان بدکت
بود که بلاک نماید درین بین من سیم ریسمان را بریدم و او را از هلاکت نجات دادم امروز که حساب
کرده و از نوگری او مرخص شده ام قیمت این ریسمان را که وجه خبری و ناقابل است پای موجب
حساب کرده و تاوان من نموده است بجهت این که ارزش را بدم حکایت میکردم و مردم را خست
اناست آقای و بخت مسیومند

۲۳۸۴

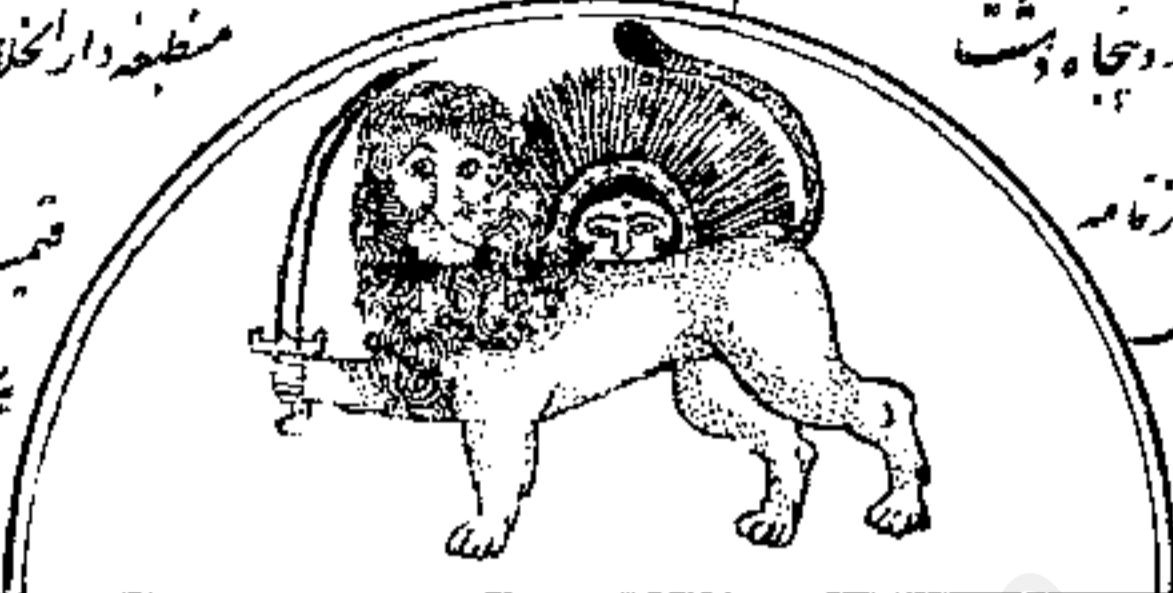
روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیستم شهریور سال سی و یکم

منطقه دارالخلافه طهران

نمره سیصد و چجاه و هشت

قیمت روزنامه

بر نسخه شکر



قیمت اعلانات

پیر سطر دره

اجبار و اخلاص مالک محروسه پادشاهی

از اخلاص طهران

اعلیحضرت قوی شوکت شاهی امیرالعباسیه و ابوالعباسیه که چند روز است تشریف فرمای شکارگاه
 جاجرد شده اند ایامون و رسم معموله سال از شکار بگردد و غیره که فرموده اند بجهت علمای اعلام و بعضی
 از شاهزادگان عظام و سادات محرم بهالت که متوقف در اخلاص مبارکه بودند مرحمت فرموده الفا
 داشتند و همچنین بجهت سفرای دول متحابه بهر یک قسمتی از شکار بگردد و غیره مرحمت فرموده بنزد جناب
 قناعت نصاب وزیر امور خارجه فرستادند و جناب عالی بهر یک از آنها رقعته نوشته شکار محرمی
 اقدس عالیون را بجهت آنها فرستاده و آنها نیز در جواب رقعته اظهار تشکر و شغف خاطر از محرم طوکا
 نمودند و از قرار مذکور موکب فیروزی کوکب عالیون تا چند روز دیگر در آن صفحات تفریح و شکار
 فرموده (عالیجاه محبت و سجدت سمره میرزا بزرگ کارپرداز دولت علییه مقیم ارزنة الروم که در
 سرپرستی بجهت این دولت در اقامت آنها اتمام و سدقت بطور آورده در انجام خدمات معرره
 شواهد قاعده دانی و کفایت را طایفه ساخته مراتب خدمتگذاری وسیعی و مواظبت او بنسبت اولیای
 دولت علییه بعضی خاکهای عالیون اقدس اعلیحضرت شاهی دامت شوکت رسیده مورد الطاف
 طوکانه آمده بقلب جلیل خانی بر حسب فرمان عنایت تو امان و بموئبت بگشود بجهت ترمیم بر حسب
 اقباب طلعت سمره فرزند قرین مبانات آمد) (عالیجاه ابوالقاسم بیک ترجمان کارپرداز خانان
 علییه مقیم ارزنة الروم که بچاپای بدر بار عالیون آمده بود مراتب رضامندی عالیجاه محبت و سجدت
 همراه میرزا بزرگ همان کارپرداز از صدق خدمت او در رجوعات کارپردازان بعضی اولیای

۲۳۸۵

دولت علیه رسیده مورد توجهات گردید، با علمای یک قطعه نشان درجه سلطانی موجب حکم نظامی
 سرزند و قرین افتخار آمد (نظر بچاسن خدمتگداری و مراقبت نواب کامیاب میرزاده کامکار محسن میرزا
 میرا خور در لوازم امور متعلقه خود در این اوقات مورد عنایت ملوکانه آمد یکموجب کلمه دولای لاکر کرمانی
 از طبوس بدن مبارک بنواب مغزی الیه حمت گردید) (چون عالیجاه مقرب انخاقان نورمحمدخان
 سرزینب ملازم کرد و ترک سازندران در نظم امور لاکر ابو اجمعی خود مراتب کفایت و سیکو بندگی ظاهر
 ساخته مراتب اهتمامات او در انضباط امور متعلقه خود مقبول و تحسین خاطر اقدس هایون شاهنشاهی
 و امنای دولت علیه افتاده در این اوقات یکموجب جبه ترمه کرمانی مسکین خوب از جانب
 سنی ابواب ملوکانه بسم خلعت در حق مقرب انخاقان مشار الیه حمت گردید) (محض
 ظهور التفات خاطر مرصفا ملوکانه در باره عالیجاه شریف دستسرا راه حاجی مبارک خان کوشک
 جبه ترمه کرمانی ارضند و قحانه مبارک بسم خلعت با و حمت گردید) (عالیجاه خواجه بزرگ بزرگ
 که در میان اهل صنایع و هنرمندان از همگنان ممتاز و درین دولت علیه انواع صنایع بدیع را
 مخترع و بیگاوت و درایت ذاتی اقسام ساعتی مختلف متعدد از موسیقی ایرانی و سازهای دیگر
 اختراع نموده و بدایع اختراعاتش مقبول و تحسین خاطر اقدس هایون شاهنشاهی و اولیای دولت علیه
 افتاده و اغلب ساعتی با ساز و مجالس و تصاویر او که کمال هنرمندی در آنها بکار برده و با تمام
 ریب بزم حضور محنت ظهور هایون و مجالس جناب جلالت آفتاب شرف امجد ارفع صدر عظمی
 و جناب فحمت نصاب نظام الملک است و در سایر فرمایشات دیوان اعلی از حساب نظام
 از قبیل اپالیط و ویسل بند و بند شیر نشان و سایر بزرگ پها حسن سلطه و مراتب اهتمامات او
 مشهود و مخطوط افتاده شایسته ظهور عاطفاتی ملوکانه آمده درین اوقات یک قطعه نشان طلا در
 اول اهل صنعت که در وسط آن ساعت قرار داده شده که علامت شغل اوست از جانب سنی
 اقدس هایون با افتخار عالیجاه مشار الیه حمت شد که ریب پیکر افتخار خود ساخته سبب مزید
 دلگرمی او در ایجاد و اختراع صنایع بدیع و بدایع غریبه گردید) (در این اوقات که موکب فری
 کوکب هایون در شکارگاه جاجرو دشر لطف دارند نواب کامیاب میرزاده والا تبار محمد تقی میرزا
 حکمران دارالخلافه طهران و توابع در مقر حکمرانی خود و مقرب انخاقان میرزا امیرسی و وزیر دارالخلافه
 و مصافحات در منزل در ب خانه خدمت نواب مغزی الیه با عالیجاهان کلامترو که خدایان همه روز
 بظم امور دولتی و انجام خدمات دیوانی مشغولند و عمده الامراء العظام محمدخان بیکر سکی امیر تومان و سایر

۲۳۸۶

سران و صاحب مضبان نظامی بانظام امور متعلقه بنظام و حرمت دوره عمارت سلطانی و لوازم
امور متعلقه بنحو اشتغال دارند و هر روز که بارندگی نیست و هوا طایم است افواج قاهره نظام از توپچی
و سرباز و میدان مشق حاضر شده مشغول مشق میباشند و هوائیز باقتضای فصل بارندگی می کند و کمال
دارد و درین روزها یک برف خجالی آمده و ایوم پنجشنبه نیز از طلوع صبح با ز برف شروع بارندگی نمود
تا کنون برف و بایخای متوالی در شهر و بلوکات بر حسب دلخواه صاحبان املاک و اهل زراعت
و نهایت امید داری را نیز ببارتی حاصل آید دارند و کمال و قور و فراوانی هر چیزی است و نظام
کامل در امور دارالخلافه الباهره از هر جهت حاصل است عموم مالی را عیان با عین آسودگی بدعا کون
ذات اقدس عالیون شاهنشاهی خلد الله مملکت و سلطان اشتغال دارند (مرحوم آقا محمد حسن میرزا
که از جمله قدیمی چاکران و معتبرین رجال دربار عالیون بود و علاوه بر منصب میرداری مناصب عالی
از قبیل صاحب جمعی صندوقخانه مبارکه و رئیس سفیدی عمده خلوت و باشیکری تفکد اران خاصه
بود در شب چهارشنبه ۱۲ اینماه باجل موعود داعی حق را بیک اجابت گفته علمای اعلام و عموم کارکنان
عهد و دربار عالیون که در دارالخلافه توقف داشتند تجنیر و کفین و تسبیح جنایزه ادا حاضر آمده با کمال
اعزاز و احترام غمش او را برداشته و مجلس فاتحه در خانه مرحوم مزبور فرهم آورد و مالی و عیان
نفاست خوانی اقدام نمودند **سایر ولایات** (اوز با یجان) بقبریکه ازین ولایت
نوشته اند از حسن مراقبت و آب مستطاب نهاده محترم و الابار رکن الدوله العلیه العالمیه از وزیر
حکمران مملکت اوز با یجان و کمال مواظبت و کفایت معتبر الخاقان مؤمن سلطان وزیر نظام و شکار کل
اوز با یجان امور انجا قرین بانظام کامل و کمال فراغت و آسودگی و نهایت تجبه عموم مالی اولایت حاصل
امور شهر تبریز و بلوکات دور و نزدیک و طرق و شوارع در نهایت انضاط است مؤمن سلطان وزیر
نظام تجبه سرکشی و نظم امور مرافعه و آن صحنی این فرقه و مقرش الخاقان میرزا مصطفی قلی بیگ محاسبات
و معاملات اوز با یجان همه روزه باستوفیان اولایت در دفترخانه نشسته بانجام مهمات دیوانی و محاسبات
و معاملات لایینی کمال دقت و رسیدگی را بنمایند در اوایل این ماه در تبریز چند روزی بعضی اشخاص
خوت شده بودند مالی تبریز نشین داشتند که خدا نخواست که آنرا ناخوشی و با باشد انهم بجهت الله رفع
شده و حال چگونگی ناخوشی در اولایت نهم روز دارد و هر کوه نعمتی کمال و قور دارد که کم بوزن هر مقال
دو عباسی جو سبید دینار بیخ غیر نوشت عباسی رد عن پنجهزار و سبید و یار کوشش عباسی
بیمه ده ریال و حال سبید دینار گاه کتیه آن سایر اجناس و حیوانات نیز با این مصلحت

۲۳۸۷

اصفهان

از فرار یک روز نامه اصفهان نوشته اند مقرب الخاقان محمد ابراهیم خان سهام الملک که با
 وارد اصفهان گردید بعد از دو روز که فرج جدید اصفهانی و فرج قدیم فریانی ابو ایوبی مقرب الخاقان
 مشارالیه در میدان نقش جهان اصفهان حاضر گشته صف نظامی کشیدند و نواب مستطاب هزاره
 حمت الدوله حکمران اصفهان بمیدان مزبور آمد مشق آنها را تماشا و با مورتشان باز دید و رسید
 نمود و آنها را مخص کردند در محبت از میدان علی العظمه با صطبل توپخانه تشریف برده ابو الفتح بیک
 نایب اصطلب توپخانه مبارک را بحضور خواسته ملاحظه اسباب توپخانه و اسباب آنها را نمودند پس
 تحقیق و رسیدگی معلوم شده بود که مشارالیه در وجه تدارک جنل و مند و غیره اسباب توپخانه و غیره
 بود حیف و میل کرده و گذشته از آن اسباب توپخانه نیز بسیار لاغر و منفلوک بودند معلوم گردید
 که اسباب را نیز در هر ایلی یکبار کم سباده است بجهت تعلقات مشارالیه ظاهراً هرگز دیده نواب
 معزی الیه اورا تا ذیبت و توبیه کامل نموده و جوی که از بابت تدارک جنل و مند کرده و بان کار معترف
 نگردید بود از او استرداد داشته معترف نمود که بجهت اسباب جنل و مند بگزید و بظنانت عالیجاه اقاخان
 یاور توپخانه مبارک که قلمم گردید بعد ازین خود مراقبت و رسیدگی نماید که اینگونه تعلقات اتفاق
 نیفتد مجدد ابو الفتح بیک بنیابت اصطلب توپخانه برقرار گردید و قد عن اید شد که اسباب توپخانه
 همیشه چاق و فربه و با جنل و مند و اسباب تمام داشته باشند (دیگر نوشته اند که چند وقت قبل ازین
 که عالیجاه حاجی کاظمخان حبه دار اصفهان حسب الامر اولیای دولت علیه احضار بدر بار معدلت مداری
 شده بود در جنل حرکت او نواب مستطاب هزاره و الا با حمت الدوله میرزا فرج الله را رستادند
 بجهت خانه رفقه اسباب موجوده حبه خانه را از لعلک تمام اسباب دوله لعلک و سایر نیزه حقیق
 لعلک و فالسه و قداره و طین و غیره تفصیل باز دید کرده و در انبارهای حبه خانه که گشته در
 انبارها را فرمودند در این اوقات که عالیجاه ابو الحسن خان پسر مشارالیه از دارالخلافه مبارک
 آمد حسب الامر نواب معزی الیه خود را اخذ در اموجه خانه بنیاب و مراقبت انجام حده حبه خانه مبارک
 و کارهای حسناف و پشم و پشمین سایر قوای موجودی انبار اصفهان را که ابو ایوبی عالیجاه فتح الله بیک
 وکیل توپخانه بود دست حسب الامر نواب مستطاب هزاره حمت الدوله ملاحظه و باز دید
 نمود و صورت اسباب موجوده آنرا آورد و قرا اصفهان ثبت و ضبط نموده باز ابو الفتح
 نمودند

۲۳۸۸

و پنجمین فوج فریدنی ابوالکحیی مقرّب انخاقان سهام الملک که وارد اصفهان شدند حسب حکم
نواب شاهزاده جمشید الدوله بعد از سه روز در میدان نقش جهان اصفهان حاضر آمد و صف نظامی
کشید. نواب معززی الیه برکشی و ملاحظه مشق و حرکات آنها میدان فرور آمدند و بدقت با
نظاره رسیدگی نمودند و کمال نوازش را در حق عالیجنابان میرزا عبدالوهاب خان سرمنک و
حاجی باقرخان و سایر صاحب منصبان بعل آورده مقرر داشتند که مواجب فوج مزبور از قرار
دستور العمل دیوانیان عظام داده شود و در بیت و سیمه ربیع الاول مواجب آنها کلاً
در حضور نواب معززی الیه بهر یک هر یک تمام و کمال تسلیم شده مرحض اوطان و اماکن خود
دیدند) (دیگر نوشته اند فوج سرسندی ابوالکحیی عالیجاه ابو الفتح خان سرمنک ساخوی
اصفهان همه روزه از ساعت از روز بالا آمده تا قریب بطرف ابر صاحب مضمان مشغول
مشق میباشند و بعد از آن مشغول قراولی قراول خانهای شهر و غیره بوده کمال اهتمام با
در حفظ و حراست بعل می آورند و با نهایت نظم حرکت مینمایند و عالیجاه مشار الیه مراقبت تمام
در نظم امور آنها دارد و جیره و جیره آنها نیز از قرار دستور العمل دیوانیان عظام رسیده امور
همه جهت نظم است) (دیگر نوشته اند که عالیجاه آقاخان یاور توپخانه مبارک که بعد از ورود با
موافق دستور العمل دیوانیان عظام آنچه از توپچان موقوف اصفهان که ابوالکحیی عالیجاه پاشا
یاوز توپخانه شده بودند که بکرمان روند بحضور نواب شاهزاده جمشید الدوله عرض کرده و تهیه کرد
انها حسب حکم نواب معززی الیه دیده شده بعد از آنکه پاشا بیک مزبور وارد شد موافق احکام مواجب
توپچان مأمور کرمان با آنها تسلیم شده با تفاق مشار الیه روانه محل مأموریت گردیدند و عالیجاه
آقاخان یاور با توپچان موقوف اصفهان همه روزه مشغول مشق میباشند و مواجب و جیره آنها نیز
موافق دستور العمل دیوانیان عظام با آنها عاید شده عباس میرزای صوبه دار و معتمد لازمه جده
و اهتمام را در مشق آنها بعل می آورد) (دیگر نوشته اند که در سلسله قاطر از شخص مکاری شیرازی در کاروانسرای
ساروقه شب سبقت برده بودند اما بعد بعض نواب شاهزاده جمشید الدوله رسیده و بار و غن
درین بات قدغن نمودند که نفیض کرده قاطرای مکاری برپا کرده با تسلیم نماید مشار الیه
او مهاجرت کرده در شهر و بیرون شهر چند روز هر قدر بخواشد اثری محسوم گردید توپچان
معززی الیه محض رعایت احوال آنها و صفا در سلسله قاطر خوب از قاطر خانه خود بان مکاری داده و
ببار و غن قدغن کردند که در نفیض قاطرای سرود باشد

۲۳۸۹

عراق

از قراریکه در روزنامه عراق نوشته اند امور اولایت ارضس مراقب مقرب الخاقان میرزا حسن خان
قرین انتظام است و کمال اینست و اسودکی برای رعایا و برابا حاصل و بدعا کونی دانت قدس طایفه
شاهنشاهی مشغول بشبانه و مقرب الخاقان شاره در نظم و ولایت و تحصیل موجهات رفاه حال رعیت
و انجام خدمات و ذیابشات دیوانی کمال مواظبت و اهتمام را دارد (دیگر نوشته اند که ملکه
سلطان آباد نسبت لهیای سابق خلیجی معهود و دایر گردیده است چون بقلب قلات آب کسب و تجارت اطراف
چندان ممکن در آنجا نمیکردند بطوری که باید دایر باشد بود درین دو ساله مقرب الخاقان میرزا
اهتمام ریاد و رباب آب نموده و آب قنات و قنای را بیرون آورده شهر جاری نمود و مردم در صده
آبادی در آمده عمارات خوب و کار و انسرانای مطبوع و مرغوب از آجر بنا کرده اند و کسبه و تجار از
اطراف آمده در آنجا سکنا گرفته مشغول کسب و داد و ستد میباشند حتی از تجار معتبره از بایجان
چند نفر آمده در کار و انسرانای آنجا ساکن شده بارهای تجاری آمد و رفت مینمایند و بار بار داده
رواج خوب بهم رسانده اغلب مالی بلوکات این توطن آنجا کرده عمارات برای خود میسازند و
اهتمام مقرب الخاقان شاره البه عنقریب شهر سلطان آباد کمال مهوریت و بدینت بهم خواهد رساند
فروین از قراریکه در روزنامه قزوین نوشته اند امور اولایت ارضس توجهات اولیا
دولت علیه قرین انتظام و انضباط است و کمال اینست و اسودکی بجهت انالی در عایا حاصل و شکر
حصول اینست و اهتمام مقرب الخاقان حاجی حسنعلیخان پشمار در مهوریت و آبادی و ولایت علی
اعلام دانی و تجار و در تعمیر مساجد و مدارس و بقاع متبرکه اقدام دارند از جمله جناب شریف
حاجی میرزا معتمد شیخ الاسلام بعد از مراجعت از دربار معدلت مدارهایون بنامی تعمیر بقعه متبرکه
الامراذه واجب التعظیم امامزاده اسمعیل ابن امام حفر الصادق علیه و علی آباء و انباء الف الف حجته
گذشته و از بنیان تجدید نموده در کمال استحکام و خوبی میسازند و از قرار بر آوردیم که
شش هزار تومان مخارج آنجا میشود و چون بقعه متبرکه در جوار عمارات دولتی واقع است و چون
و با صفا ساخته میشود سبب مزید سکون عمارات مزبور میگردد و همچنین سایر اشخاص در بناهای ایام
و حصول یکمی اقدام دارند) (دیگر نوشته اند که مقرب الخاقان حاجی حسنعلیخان در بیستم ماه
ملاقات حضری از اعیان و انالی ولایت بجهت حرکت دادن اسباب کارخانه ریجان روانه قم میگردند
و عنده و عرابه بارکش تهیه نمود که اسباب کارخانه مزبور را از قم بجهت قزوین و طهران حرکت بدهند

۲۳۹۰

اخبار دول خارجی که از روزنامه های خارجی ترجمه شده نوشته میشود

از فرایکه در روزنامه پاریس نوشته اند بقانون معمول ساله اعلیحضرت امپراطور فرانس در اوایل ماه صفر غریب تصید و شکار فرموده بجل قلمین نام که در نزدیکی پاریس است تشریف فرما شده اند و کهنه در آنجا اقامت نموده در آن شکارگاه سه دفعه و کلاً و نامورین دولت خود و سفرهای دولتی متجرب را دعوت و صیانت نموده اند (دیگر نوشته اند که عا کرفرانسه در محلی که اقامت داشته اند زیاده از حال و تحمل خود از اصناف قرض میکردند و در ادای آن دچار صعوبت میشدند این اوقات دولت فرانسه حکم عمومی در باب صیانت کرده اند که هر صنفی که خواهد باشد اگر زیاده از یکجا شکاری و عا کرفرانسه قرض بدد اگر بجهت طلب خود دچار صعوبت شود و بدو این عرض نماید بدو این اصطلاحی او را حواله سمع اعتبار نخواهد کرد و هر چه داده است از کسبش رفته خواهد بود) نظر بطور استراحت کامله و طبیعت عمومی فرنگستان دولتهای فرنگستان در مقام تعلیل عا کرفرانسه خود پیاشند از جمله اعلیحضرت امپراطورین فرانسه و روس بعد از طاقات با یکدیگر که در باب تعلیل عا کرفرانسه خود هم مذاکره کرده بودند در معاودت بقر حکمرانی خود عا کرفرانسه از لزوم که در زیر سلاح داشتند وقت تبدیل آنها نزدیک بود مرض کرده و با وطنشان معاودت نمایند و بهمین اعلیحضرت امپراطور استریه نیز این قرار در دولت خود محیی داشته عا کرفرانسه خود که کم نمود در این روزنامه دولت پروس نیز بوجوب روزنامه های المانیاتش نزده هزار نفر عا کرفرانسه خود را که زیاده از لزوم بود از سبک عسکره اخراج و مرض کرده است و نیز بقراریکه در ثانی خبر رسید از عا کرفرانسه که در خرابی بودند وقت تبدیل آنها فوراً رسید بود و در راه نفر از سبک عسکره مرض کرده و بجهت آوردن آنها بر سیلاد و قطعه گشتی با آنجا فرستاده اند (در بقراریکه سابقاً بیان شده بود سکه پول مانند اکثر محال در دولتها و حکومتهای المانیات عا کرفرانسه چون صورتی نداشت فی الحقیقه ضرر و زیان بدولت و رعایا میرسد بجهت رفع این اختلاف و سبک مسکوکات متداوله یک عیار باشند از جانب دولت استریه و پروس و سبک مسکوکات حکومتهای المانیات و ارداده شده بود دولت پروس و فرانسه و حکومتهای المانیات این قرار را در حکومتهای خود محیی داشتند دولت استریه نیز در این اوقات با بحاب این قرار داد میباید نمود و حکم کرده است که سبک قدیم در مالک استریه تا مدت ششماه مهلت است که بواج متداوله تحمل و در پول سبک جدید بعد از این مدت اگر مسکوکات قدیم پیدا بشود بصحبت بواج متداوله مسکوک قبول نخواهند شد و

۲۳۹۱

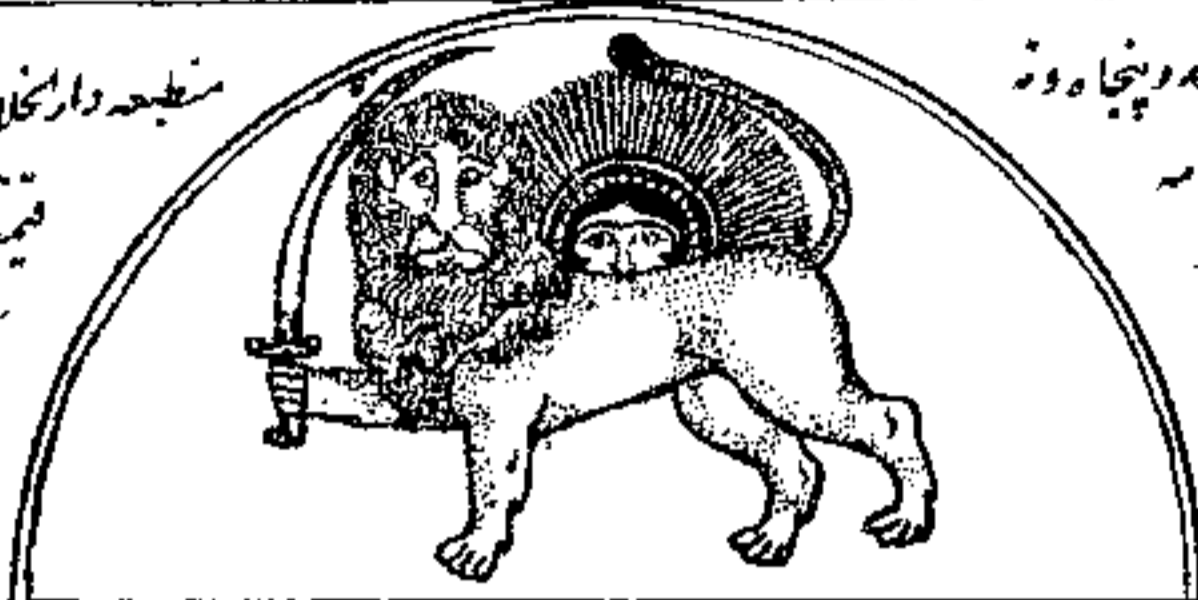
قیمت زرگری گرفته خواهد شد) درین اوقات از ترجمه حالات امپراطور سابق روس کشف
 در روزنامه های دولت روس نوشته بودند و آن این است که در اوایل سلطنت امپراطور شارل
 محاربه که مابین دولتین روس و عثمانی اتفاق افتاد امپراطور شارل به جهت بودن یوم مولود خود در
 ملاقات با عیال خود عزیمت بطرز بوریع کرده بود در یک کشتی و سایر و کلا و نامورین او در کشتی دیگر
 از محلی از جوار و از حرکت کردند چند میل مسافت که طلی نمودند طوفانی ظهور نموده و رفته رفته شدت کرد
 بود بجدی که مسرانان امپراطور از زندگانی خود مأیوس شده مستغرق لجه اضطراب گردیده بودند
 امپراطور قبودان کشتی را خواسته و نتیجه آن مخالفت بود که بقایا خلاصی خواهد گشتند سوال کرد
 بود قبودان مزبور گفت بود که شدت طوفان بکمال است و اگر مابین حال امتداد بیاید بگردان خطرات
 خواهند افتاد امپراطور را تحمل صبر و آرام نمانده بالای کشتی آمده و زمان کشتی را بید اختیار خود گرفته
 یک مدت خود قبودانی کرده کشتی را رانده بود قبودان مزبور سیر و حرکت کشتی را پسند نکرد و بعد
 داشته بود که کشتی مجهول الحال حرکت میکند در مانی امپراطور زمان حرکت کشتی را بید اختیار قوماندان مزبور
 داده و قوماندان با تمید و حصول باطل نجابتی کشتی را حرکت داده اشب گرفتار طغیان امواج و صدمات طوفان
 بودند تا صبح که هواد و شن اطراف نمایان گردید خود را در قراخای شمار نزد یک بغار اسلابول دیدند در
 حالتی بودند که تا داخل بغار نمی شدند امید خلاصی از غرق شدن مداشتمند و اگر داخل بغار میشدند
 حین جنگ دولتین بود دستگیر دولت عثمانی می شدند امپراطور با قبودان را احضار و از مدسراسر
 و از غرقه رهایی یافتن استفسار نمود قبودان عرض کرد که بجز مساعدت روزگار روی دیگر درین
 بنحاطر نمی رسد ولی در جزو انبارهای بار و کشتی را تهیه دید درین بین هوامساعدت کرده خام
 کشتی برآه خود افتاده بخواجه بیک که مأمور امپراطور بود رسیدند در اینجا از قبودان استفسار نمودند
 که اگر هوامساعدت نمیکرد در آن حین که قیقن بزود شدن یا دستگیر سپهر گردیدن بودیم چه میسر میشد
 بودی قبودان گفته بود وقتی که داخل بغار می شدیم چاره جز اینکه انبارهای بار و کشتی را از
 روزه خود را بک نمایم بنظر منی آمد امپراطور این رای را پسندیده فرموده بودند که اگر کشتی در
 بغار میشد چاره جز بالا کردن بیریق مکالمات صلح نبود و ازین گذارش از آن ایام تا حال
 که چندین سال است کسی مطلع نبود در این اوقات که شرح احوال امپراطور شارل را بعد از
 فوت او ترجمه کرده و بعضی از انهار را در روزنامه ها درج کرده اند این فقره بموجب روزنامه
 بطرز بوریع به طرف نشر و اعلان شد

۲۳۹۲

روزنامه ویداع الفایقه پنجشنبه ۲۹ شهریور ۱۲۷۴

مره سیصد و پنجاه و نه
قیمت روزنامه
هر نسخه ده

منطقه دارالخلافه طهران
قیمت اعلانات
هر خط ده



احبار و احنه مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطانه که بشارگاه جاجرو و دتشریف فرما شده بودند
روز یکشنبه گذشته معاودت فرموده هنگام عصر بالتشکره و الاقبال مبارک که سلطانی نزول اعلان فرمود
(بهوای دارالخلافه طهران در این اوقات بمقتضی فصل برودتی بهم رسانده یک دو دفعه برف آمد
در روزنامه های سابق نوشته شد بعد از آن هوا سرد شده و در سینه های بستان است و در سینه های
میکیرند اگرچه هوا صاف و روزها آفتاب است ولی برودت هوا بکمال است) (در این روزها دو نفر
قصاب از شهر بدایت رفته بودند که گوشت خریداری نمایند چون رسم است که از آدمهای سگای
بزرگ دو نفر با جرت گرفته همراه پیشتر که بعد از خریداری گوشت با آنها آمد کرده گوشت را برانند و
برسانند و چادرهای صادق بیک بسون گوشت قیمت کرده پول داده بودند که بگیرند در کم و زیاد
قیمت معادلان شده قهبر نام قصاب با استاد حاجی قصاب میگردیم جای دیگر گوشت میخریم از حاج
صادق بیک بیرون آمده قدری که دور میشد قهبر نام بستاری آن دو نفر مزدور استاد حاجی را در
زده مقول کرده بخش او را در کودالی انداخته وجه او را که بصد تومان بوده است در میان خود تقسیم
و قهبر قصاب بشهر مراجعت کرده آن استاد حاجی جویمای او میشد میگوید او وقت بشهرم گوشت بخرد و من
کردم بعد از دو سه روز دار و نه دارخلافه یا بوی سواری استاد حاجی را در بازار دیده و گرفته معلوم کرده بود
که او را تلف کرده اند که از سر بعضی دستخواران آب کامیاب شده بود و محبتی سیر از حکمان و مغرب انجان میرزا
موسی و وزیر دارخلافه رسید فوراً قهبر قصاب را گرفته فرستاده آن دو نفر مزدور را هم پیدا کرده آوردند هر سه نفر
او را بکشتن مقول کرد و یکصد تومان مقول از آنها مسترد و پور او تسلیم کردید آن سه نفر مجوس اند تا حکم سیات آنها

۲۳۹۳

چاه مقرب الخاقان مسجون دادند تیر و تبرجم اول دولت علیه که با تظلمین بر جناب عالی تاجانین اعلیحضرت امیرالمؤمنین
 روس در حاکمیت قفقازیه بود و گذارش مأموریت او در روزهای گذشته نوشته شد از قراریکه در روزنامه نوشته بودند بعد
 گذشتن از سرحد دولت علیه ایران و ورود به سرحد دولت علیه روس در همه منازل عرض را به نهایت توقیر و احترام و پذیرائی از کارکنان
 اندونست مقرب الخاقان را لایه و اسیران او بعلت آمدن در روز دوشنبه دوازدهم شهر ربیع الاول که وارد تظلمین شدند
 فی الجمله استراحت در نیم فرسخ تظلمین در باغ میرزا یوسف توقف نموده بود و در خط جناب عالی تاجانین بکراهت های شخصی
 با چند نفر سواره را اندام بنزد مأمورین رسانده خود مقرب الخاقان را لایه در آن کار نشسته صاحب منصبان در دور سرحد
 نسبتاً اتفاق مقرب الخاقان جنرال قونسول دولت علیه عالیجاهت و جناب عالی جنرال لای کارگذار امور قفقازیه پیدان جناب عالی
 رفتند نزدیک به چند نفر جوانان شایسته با استقبال آمدند به اطاق صاحب منصبان و غیره صحبت استاده بودند
 بالای قدمه حاکم شهر و کوماندات با استقبال آمد وقتی که داخل اطاق اول شد مویگان زدند از اطاق اولی الی چهارم بقدر وقت
 نفر صاحب منصب نظام و اهل قلم حاضر بودند مثال ایوان در حجه جداگانه خجسته فرمان یون و سران جناب شرف امجد ارفع
 عظیم فخم در میان سی نفره در دست عالیجاهت فخری خان نایب بودند انباشتی بود پیش سراف صین قلات با جناب عالی تاجانین
 اولاً مأموریت خود را اظهار رسم هدیه تبریک بعلت آمدن بعد مثال ایوان را با فرمان مبارک کمال علیحضرت امیرالمؤمنین
 شایسته از دست عالیجاهت را لایه گرفته ابلاغ کرد در همان مجلس مثال ایوان را آذین پیکر افتخار خود نموده و کرسی برین جناب عالی
 تاجانین مقرب الخاقان را لایه عده الکبریا کینا بید بود باقی کلام استاده بودند بعد از صرف قهوه همان مرتبه امیرالمؤمنین
 نمودند بعد از یک ربع عالیجاهت مقرب الخاقان شایسته امیرالمؤمنین جناب عالی تاجانین دو قطعه شایسته آن سلسله بی خارج کردن
 و یکی را به او برای مقرب الخاقان را لایه رساندند بعد از نیم ساعت جناب عالی تاجانین با چند صاحب منصب نظام مبارزه اند در روز بعد
 شایسته دعوت کرده یکباره کاتر شخصی خود را فرستاد با لباس نظامی تماشای خانه رفقه در اطاق جناب عالی تاجانین صاحب منصبان و اطاق علیحضرت
 نشسته در شب نزد جناب عالی تاجانین دعوت نموده مقرب الخاقان را لایه اتفاق مقرب الخاقان جنرال قونسول دولت علیه و جنرال لای کارگذار
 امور رجه و صاحب منصبان منزل جناب عالی تاجانین که یکصد نفر از اهل نظام و ارباب سلم در سر سفره حاضر بودند و دعوت شایسته نموده مراسم موالا
 اتحاد و یون علیتین را از طرفین می داشتند منزل معاودت نمود و بعد از آن عیان اولایت بنوبت مقرب الخاقان را لایه و اسیران
 او را صیافتهای سنگین خرید می کرده اند (نظر بلا رسوم و کمالی نمایند و تین فخرتین ایران در روس سابقاً و معمول دول
 که چاکران و عهدداران بکسی به و نلاحظ معایت قرین مغایرت میباید لذا درین اوقات از جناب اعلیحضرت امیرالمؤمنین
 روس کتبی نسبتاً نامرتبه دویم باقی عالیجاهت مجد استراحت می فرمایند وزارت امور رجه دولت علیه و اجودان مخصوص جناب عالی
 عظمی رحمت شد و جناب شایسته روز فروردین آن فروردین را نوشته رسمیه فرمان آن بزرگوار جناب عالی تاجانین صاحب منصبان و وزیر امور خارج
 عالیجاهت را لایه تسلیم و از جناب عالی تاجانین بکتابت ایوان هم از آن ادیران عالیجاهت را لایه نظر بدستی دلنشین اعطای

۲۳۹۴

سایر ولایات) (آذربایجان

از قراریکه در روزنامه تبریز نوشته اند امور انولایت اخسن مراقبت و کفایت نواب مستطاب شاهزاده الفخیم والایا رکن الدوله العلیه اردشیر میرزا حکمران مملکت آذربایجان و مقررت بآ کردون آستام مؤتمن سلطان وزیر نظام و پیشکار کل آذربایجان از بر حیثیت انتظام کامل دارد کمال امانت و آسایش از برای عموم مالی انولایت حاصل است و کسبی با رای سرفقت و سترارت و حرکت خلاف نیت امیر شهر و محلات و قراولخانها مضبوط و مستحفظ و قراول شهنشاه و حراست مشغولند) (دیگر نوشته اند چون پارسال همین اوقات ارباب احکار و سایرین کندی میخریدند و بقصد کران و در وقت انبار میگردند اما سال نیز بنا که گذشته بود بخریدن و انبار کردن محض سد راه خیال آن اشخاص و رفع هشت ضعف و فقرای ولایت و حصول و عافیت خیرجه دات اقدسها بون شاهی خلد الله علیه و سلطانه نواب مستطاب شاهزاده الفخیم رکن الدوله العلیه و مقررت الخاقان مؤتمن سلطان وزیر نظام درین خصوص اهتمام و اقیه و مراقبات کافی نموده بقدرت هزار خردار کندی بقرار خرداری چهار تومان بجماعت ختار دادند و وجوه دیوانی آنها را نیز تخفیف دادند و علاوه بر اینها مؤتمن سلطان وزیر نظام مقررتی الخاقان حاجی میرزا محمدخان دبیر حمام خارجه و میرزا مصطفی قلی پیشکار محاسبات و معالفا دیوانی آذربایجان از خود بقدر روه باب دکان ختاری برآه انداخته اند و قدغن کرده اند که اگر از زمانا دکان خود رانه بندد و از نیزه فقر او ضعف آسوده خاطرند و مان در همه دکانین خردوان و عموم خلق کمال شکر که از برآوردند و نیز مؤتمن سلطان وزیر نظام بجایب آقا میرزا محمد که خدا محله امیر خیر قدغن کرده است که در محلات تبریز هر کجا انبار فله باشد اولاً بصاحبان انبار اخبار نماید که مرضای خود انبار آکشوده کندی از انجا باز و غیره بفروشند و اگر اجمال نمایند عالیجا شایبه ان انبار را شکسته کندی او را از قرار یکم دو عیاسی بفروشد از جمله انباری از یک فقر تاجر سنجانی که بقدر مقصد خردار کندی داشت کشوده هر روز بقدر بیت خردار کندی آورده در میدان ختار بفقر او ضعف و پیره مرد و بیوه زن هر یک بقدر بیت من و سی من میفروشند) (دیگر نوشته اند چون فوج مقیم شقای جمع عالیجا میرزا صادق خان سمرنگ حسب الامر ادلیای دولت علیه احصا دار انکلاف مبارک شده روانه در بارها یون شدند لهذا فوج قهرمانه بجای آنها به تبریز احضار و بقراولی و اول خانهای شهر و غیره برقرار گردیدند

فارس

از قرار یک در روزنامه فارس نوشته اند امور آن ولایت از حسن مراقبت نواب مستطاب میرزا
 طهاسب میرزا حکم آن مملکت فارس درین نظام کامل است و امانی و اعیان در عین فراغت و اطمینان
 بدعا کونی ذات احدس طایون شاهنشاهی اشتغال دارند و نواب معزی البیه همه روزه خود بنفس
 و داد مردم و انجام مقامات و مرجعات دیوانی دقت و رسیدگی تمام بعمل می آورند و سایر چاکران
 و یوانی هر یک با انجام خدمات محوله خود اشتغال دارند) (دیگر نوشته اند که در باب حسن
 و سعیدی این دولت جاوید مدت علیه نواب مرید الدوله کچھول آگای از حکم اولیای دولت
 جاوید مدت علیه از شب چهارم شهر ربیع الاول شهر آیین بندی و چراغانی فرمود و در
 مقابل کاخ طایون در حضور نواب معزی البیه که امیر الامراء العظام کشیکچی باشی دربارها یون و سایر
 و صاحب منصبان نظام و کارکنان دیوانی و اعیان و ولایت فارس بدعوت ضیافت
 بودند اسباب جشن و تشریفاتی فراهم آورده بطوار عیش و سرور و شادمانی بسر بردند
 و روز چهارم نواب معزی البیه در باغ نظمانند ایجاد بزرگ انعام و سلام عام داده و
 امیر الامراء العظام کشیکچی باشی و سران و صاحب منصبان نظام و خوین و سرکردگان عساکر
 منصوره و اعظم و اشرف و اعیان و ولایت فارس در آن سلام و مجمع عیش و سرور حاضر اند
 بعد از اجرای شنگ و ادای خطبه اهل سلام صدابتهتیک و مبارکبادی بلند کرده صرف شربت
 شیرینی نمودند و سلام منقضی گردید و بازارهای وکیل و غیره را چراغانی خوب نموده و این بندی
 شایسته کرده تا شبانه روز عموم خلق عیش و شادمانی مشغول بودند) (دیگر نوشته اند که ناخوشی
 و با که چند وقت پیش ازین فی اجد در فارس بروز ظهور داشت درین اوقات سجد الله بکلی
 رفع شده و در هیچ جای مملکت فارس اثری ازین ناخوشی عیب و مردم آن ولایت ازین بگذر
 کمال خرسندی را دارند و هر کوه نعمتی سجد الله کمال و نور را دارد و رعایا و زراعت کار این
 با نهایت امید واری مشغول زراعت و امور عمرانی خود میشوند) (دیگر نوشته اند که در این اوقات
 نیات از یسلاق مراجعت بصلوات می کنند و از اتهامات مقرب انخافان محمد قلین این
 طرق و شوارع در نهایت امانت است و احدی از ایلات قدرت تعدی بمال و زراعت
 ندارد و با کمال حسن سلوک با رعایا و مترددین رفتار می نمایند و بهر چه امور ایلات فارس
 با نهایت انظام است

اخبار فول خارجه که روزنامه های خارجه ترجمه شده نوشته شده
 از فرار یک نوشته اند از سفین تجارتي یکی دینیک کشتی امریکان نام در ششم ايلول گذشته با نظر
 سیاح و بعضی بسیار حمل کرده بزمین ولایت نوبروق از حوازه حرکت کرده بودند بقدر دو روز که
 طی مسافت کردند کشتی بر نوبر خلی یافته اب بیان آن شروع کرد آمدن رفته رفته آب زیاد چو دان
 کشتی و سیاحان که اینجالت را دیده کردند خود را با قطع در مقام غرق شدن و هلاکت دیدند چاره
 که بخاطرشان را این بود که با ظروف و اوانی مسقا آب کشتی را بیرون بریزند و باین کار شروع کردند
 کشتی را خیلی سبک کرده بودند تا گاه درین بین طوفانی ظهور کرده و باین واسطه متوجه شدند آب را
 بیرون میرنجتند بریزند و در اندک کشتی زیاد تر از اول پراشید و آتش یک کشتی را
 خاموش کرد بچارگان در آنوقت بجز فضل خداوند گمانه امید استمداد از هیچ طرفی نداشتند
 اثنا کشتی تجارتي دیگر از یکی دینا در آن حوالی ظاهر شده بود بموجب علامات و اشاراتی که از آن
 کشتی ملاحظه کرده بودند نزدیک آمده سجالت آنها مطلع شده فی الحال زور قها فرستاد که چو دان و
 سیاحان را بکشتی خود در آورده آنها نیز اول اطفال و زنان خود را بآن زور قها نشاندند و ستاند
 و مستطرمعا و دت زور قها بودند درین بین طوفان در یاشدت کرده زور قها که اطفال و زنان
 سلامت بکشتی دیگر رسانده معاودت میکردند ملاحظم امواج آن زور قها را شکسته و غرق نمود چو دان
 و سیاحان بکلی گرفتار خوف و تلاش کرده بان کشتی دیگر بیان حال نموده چو دان آن کشتی گفته بود
 که سخته شدت امواج نمیتوانم کشتی خود را نزدیک کشتی شما بیارم و از یک طرف آب کشتی در ترا
 بود چچارگان بکلی از حیات خود قطع رشتند امید نموده شمع ها که در کشتی داشتند و ختمه و پر باد
 کرده و بر که خود بسته متر صد این شدند که هر وقت کشتی بنای فرورفتن بگذار و خود را بدریا بریزند
 و شیب بان شمع ها باشند تا پیش آید و وارد اند که بقدر مقدور کشتی را بهوای آن کشتی دیگر
 مذبحی بدهند که آن کشتی از نظرشان غایب نشود در این اثنا شام شد و هوای آن کشتی که در
 و دو کشتی از یکدیگر غایب گردیدند کشتی نوبر پراشیده فورق سیاحان و چو دان
 خود را با آب ریختند و صدا با قحان و زاری بلند کردند و بعضی از آنها مشتعلان سوراخ شده
 غریق گشته فدا گردیدند و بعضی سجالت مات تا صبح در روی دریا ماند تا یک کشتی دیگر صبح از
 عبور میکرد و آنها را بآن حالت دیده هر چه غرق شده بودند بکشتی در آورده و یکی دینا رساند و
 گزارش را در روزنامه یکی دینا مع التأسف نوشته بود

۲۳۹۷

در پارسیس بجهت تجارت و تبعه دولت روس و هر کس که در مذنب آنها باشد بجهت اجرای این
 آنها از جانب اعلیحضرت امیر اطور فرانسه در یک محل پاریس با حق یک کلیت مساعدت شده
 و جمع کردن وجه اعانت بجهت ساختن کلیسای مزبور از جانب اعلیحضرت امیر اطور روس اعلان
 گردیده است (در صندوقخانه قتی لندن در هر هفته وارد و خارج و مصارف او یکدفعه حساب میشود
 در این اوقات موجودات آن صندوقخانه را که حساب کرده اند صد لیره که هر لیره عبارتست
 از بیست و سه هزار دینار پول این ولایت است که آمده بود از صندوقخانه سوال کرده بود
 که این صد لیره بجا مصرف شده است و نیز بجهت آن گفته بود که احتمال میرود به پولی که بهیندوستان
 فرستاده شده و دور و دراز قبل ازین روانه گردیده سهوا داخل شده باشد فی الحال از سریم
 بجای که کشتی آن بخوابد از آنجا جوهر میگرد و خبر دادند که در آنجا رسیدگی نمایند قبل از ورود بجا
 خبر تلفات رسیده در ورودی بسته های پول را وزن کردند یک بسته سنگین تر از وزن سایرین
 درآمد و آن سنگینی بحسب وزن بقدر صد لیره بود این فقره معلوم و جوهرش از تلفات رسیده که
 صندوقدار از مطالب و مواخذة فلاحی باقی نمانده کی از محضات عدیده تلفات محسوب میشود مع التشکر
 در روزنامه لندن نوشته بودند (سابقا نوشته شده بود که از کشتی سازخانه قرانتاورد
 شش قطعه کشتی بجهت سیاحت سمیت چین حرکت کرده بودند در این اوقات نیز بجهت مراجعت با
 کشتیهای مزبور دو قطعه کشتی دیگر در کشتی سازخانه قرانتاورد تهیه میدیدند) (چنانچه سابقا بیان
 شده بود از جانب دولت استریم بدت پنج سال معین کشتی از ترس حرکت کرده و چند نفر از
 صاحب مضبان دولت مزبور در آن نوشته سیاحت مواحل هند و چین حرکت کرده بودند در این اوقات
 بلگرگه ریو جزیره که در تحت حکومت برزیل و در جهت جنوبی یکی دنیا واقع است وارد شده اند و در تحت
 آنها از جانب امیر اطور برزیل جنلی اگرام در عایت شده و صاحب مضبان مزبور را دعوت و ضیافت
 شایسته نموده اند) (دیگر نوشته اند که در برلین پای تخت پروسیه بعضی فقره مردمان بی بضاعت
 در خانهای گرایه بکرایه فاشسکنی داشتند با انواع محن و مشقت دچار می شدند بجهت رفع اضطرار
 اشخاص در برلین پای تخت پروسیه یک قوم سانیه ترتیب داده اند که مخصوص فقره اهالی عمارت سازند
 بسیاری منازل با آنها اجاره میدهند و هر یک از آنها نیز طالب خریداری یکی از آنها با بعضی معلومه غایت یافت
 پنجاه سال ادای قیمت آن خانه را بکنند و در محلی مناسب خان آن خانه مبادرت نمود و اندوختن میمانند
 مزبور جنلی اشخاص مع الممنونیت شرکت نموده اند

۲۳۹۸